

◀ (۳) روایت شهاب الاخبار:

«مَنْ أَهَانَ صَاحِبَ بَدْعَةٍ آمَنَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ»<sup>۱</sup>

ما می گوئیم:

۱. این نهایتاً دال بر تجویز اهانت است و چنانکه گفتیم سبّ اخص از اهانت می باشد

۲. اهانت می تواند به معنای سست کردن پایه های بدعت باشد

۳. روایت سند ندارد

◀ (۴) روایت سرائر:

«من تمام العبادة، الوقیعه فی اهل الريب»<sup>۲</sup>

ما می گوئیم:

اولاً: روایت سند ندارد

ثانیاً: ربطی به بحث سبّ ندارد

و ثالثاً: وقیعه به معنای به ستیز رفتن است.



در خارج فقه اهل سنت و جمعی

۱. نهج الفصاحة، ص ۷۲۹؛ شرح فارسی شهاب الاخبار، نویسنده محمد بن سلامه قضاعی (م: ۴۵۴)

۲. مستطرفات سرائیر به نقل از کتاب محاسن، ج ۳، ص ۶۳۴

سه) سیره و رفتار معصومین:

الف) رسول الله:

۱. روایت وزغ بن وزغ

در دو روایت از رسول الله نقل شده است که ایشان به مروان گفته اند «وزغ بن وزغ» این دو روایت را کلینی در کافی نقل کرده است:

«الحسین بن محمد الأشعری، عن معلى بن محمد، عن الحسن بن علی الوشاء، عن أبان بن عثمان، عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) (يقول: خرج رسول الله (صلى الله عليه وآله) من حجرته ومروان وأبوه يستمعان إلى حديثه فقال له: الوزغ ابن الوزغ، قال أبو عبد الله (عليه السلام) فمن يومئذ يرون أن الوزغ يسمع الحديث»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. مروان و پدرش استراق سمع می کرده اند و پیامبر به ایشان گفتند وزغ بن وزغ [وزغ: بزمجه، سوسمار

کوچک]

۲. امام صادق می گویند که از آن روز مردم چنین پنداشته اند که وزغ، استراق سمع می کند.

«الحسین بن محمد الأشعری، عن معلى بن محمد، عن الحسن بن علی الوشاء، عن أبان بن عثمان، عن زرارة قال: سمعت أبا جعفر (عليه السلام) يقول: لما ولد مروان عرضوا به لرسول الله (صلى الله عليه وآله) أن يدعو له، فأرسلوا به إلى عائشة ليدعو له، فلما قربته منه قال: أخرجوا عنى الوزغ ابن الزوغ، قال زرارة: ولا أعلم إلا أنه قال: ولعنه»<sup>۲</sup>

توضیح:

۱. وقتی مروان به دنیا آمد، به پیامبر عرضه شد تا برای او دعا کنند.

۲. پس او را نزد عایشه فرستادند تا پیامبر دعا کند

۳. وقتی عایشه او را نزدیک پیامبر برد، حضرت فرمودند

۴. زراره می گوید احتمال می دهم که امام صادق بعد از آن فرمودند که پیامبر او را لعن کرد

۱. الکافی (ط الاسلامیه)، ج ۸، ص ۲۳۸

۲. همان



ما می گوئیم:

۱. مجلسی می گوید این مطلب را اهل سنت نقل کرده اند و حاکم نیشابوری سند آن را صحیح می داند<sup>۱</sup>
۲. درباره این مطلب چندین احتمال مطرح است:  
یک) چنانکه مرآت العقول گفته است، این گفته پیامبر به سبب آن بوده است که خبر داده اند از اینکه بنی امیه، در قیامت به صورت وزغ محشور می شوند  
«انما سماهما وزغاً لما مرّان بنی امیه یمسخون بعد الموت وزغاً»<sup>۲</sup>  
مطابق این مطلب، این گفته خبری است و اصلاً سبب به حساب نمی آید توجه شود که دائرة المعارف اعلامی می نویسد که پیامبر می فرمود: «لیس یموت من بنی امیه میت الا مسخ وزغاً»<sup>۳</sup>  
این دائرة المعارف همچنین از امام صادق نقل می کند که ایشان می فرماید با پدرم بودم که وزغی زبانش را حرکت می داد، پدرم فرمود که وزغ می گوید اگر به عثمان دشنام دهی به علی دشنام می دهی.<sup>۴</sup>  
دو) ممکن است مراد از وزغ، همان است که ما در فارسی می گوئیم «دیوار موش دارد». و لذا حضرت اشاره دارند که این در حال جاسوسی است. و این تمثیل به جهت عرف عرب بوده است.  
سه) کلام رسول الله به این صورت بوده است که او را نفرین کرده اند که «خدایا او را وزغ قرار ده»  
لسان العرب همین مطلب را مطرح کرده است:

«وَفِي الْحَدِيثِ عَنْ هِنْدِ بْنِ خَدِيجَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: مَرَّ النَّبِيُّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بِالْحَكَمِ أَبِي مَرْوَانَ قَالَ: فَجَعَلَ الْحَكَمُ يَغْمِزُ بِالنَّبِيِّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بِإِصْبَعِهِ فَالْتَفَتَ النَّبِيُّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ بِهِ وَزْغًا، قَالَ: فَجَعَلَ مَكَانَهُ وَارْتَعَشَ.

وَجَاءَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ:

۱. بحار الانوار، ج ۶۲، ص ۲۳۶

۲. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۶، ص ۱۹۴

۳. ج ۱۸، ص ۲۹۸

۴. همان



أَنَّ الْحَكَمَ بْنَ أَبِي الْعَاصِ حَاكِيَ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مِنْ خَلْفِهِ فَعَلِمَ بِذَلِكَ وَقَالَ:  
كَذَا فَلْتَكُنْ، فَأَصَابَهُ وَزَعٌ لَمْ يُفَارِقْهُ أَيَّ رِعْشَةٍ<sup>۱</sup>

توضیح:



درس خارج فقه ائمه اربعین

۱. هند بن ابی هاله فرزند خدیجه (همسر رسول الله ص) می گوید:
  ۲. روزی پیامبر بر حکم (پدر مروان) می گذشت
  ۳. حکم با انگشت به پیامبر کنایه زد
  ۴. پیامبر متوجه شدند و فرمودند خدایا او را وزغ قرار بده
  ۵. هند می گوید: حکم در جای خود لرزید و مرتعش شد
  ۶. و در حدیث دیگری آمده که حکم بن ابی العاص، پشت سر رسول الله ادای ایشان را درآورد
  ۷. و پیامبر مطلع شد و همان را فرمود
  ۸. و حکم را «وَزَعٌ» (رعشه) در برگرفت و از او جدا نشد
- چهار) برخی از کتاب های لغت<sup>۲</sup> می نویسند که وزغ یعنی مرد ترسو. و لذا این اصلاً دشنام نیست.

دهخدا هم به نقل از ناظم الاطباء معانی «وزغ»، «مرد فاسد» و «مرد ضعیف» نقل می کند.<sup>۳</sup>

پنج) زمخشری از معانی «وزغ»، قرمز را نقل می کند. یعنی هم رنگ وزغ و ادامه می دهد که اصطلاحی در عربی هست که می گویند «ما هو الا وزعٌ من الوزغ» و معنا می کند که این به معنای فرومایه و پست است. و لذا می تواند به معنای خبر از آینده و یا حال این قوم است و لذا چون انشائی نیست (و قصد سبّ ندارد)، سبّ نیست.<sup>۴</sup>

توجه کنید که احاطه علمی پیامبر می تواند «خبری بودن کلام» را بهتر توجیه کند.

<sup>۱</sup> . لسان العرب، ج ۸، ص ۴۵۹

<sup>۲</sup> . فرهنگ لاروس

<sup>۳</sup> . دهخدا

<sup>۴</sup> . اساس البلاغه، ص ۸۱۹